

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښت تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

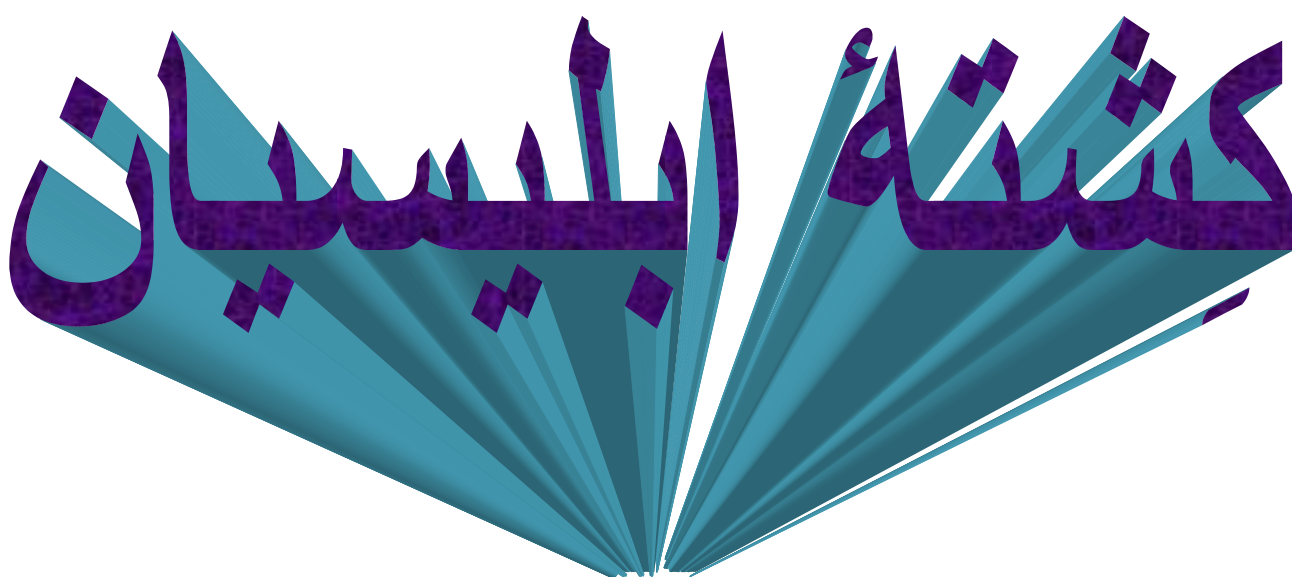
www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

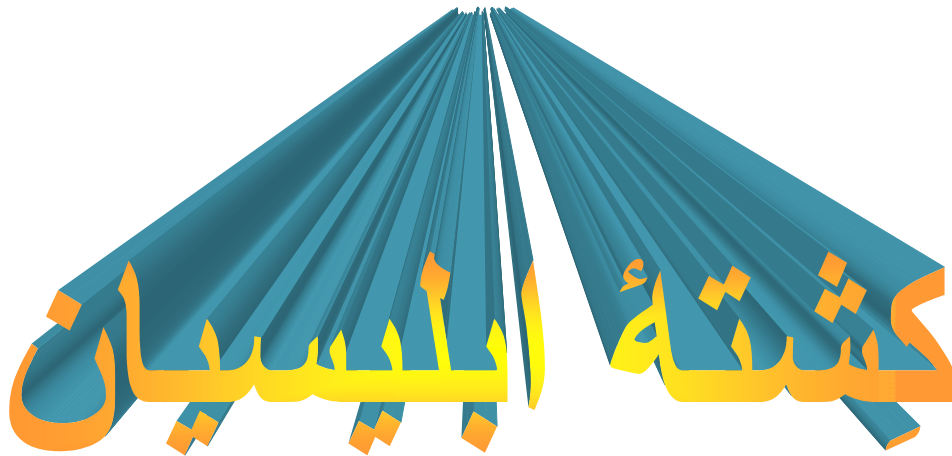
نعمت الله مختارزاده
شهر اسن - المان
۲۸ اپریل ۲۰۱۰



خطاب به برنامه خانه و خانواده که روزهای سه شنبه و پنجشنبه از طریق تلویزیون پیام افغان نشر میگردد

در برنامه هفته گذشته تان گستاخی و فضولی، مغرضی، ملبس به لباسهای فریبنده و ارتجاعی، مُودِ روز، بنده حقیر و فقیر را وادار ساخت تا به برنامه شما که به خانه و خانواده مسماست تماس گرفته خاطرنشان شوم که مغرضی مانند دیوار نمکش هر تَفی را به خود کشیده بی شرمانه تهمت شاخدار، به برنامه داران، روشنگران، حتی به شعراء بسته چون ناعقی، به نق نق آمده با پُر روئی به شما چنین گفت که (شنیدم که شما هم آنها را توصیه کردید که نباید به اشعارشان اسلام را بکوبند، نباید به اشعارشان به ریش پدر بخندند و به چادر مادر بخندند و احکام دین مقدس اسلام را بکوبند.) با تأسف و باز هم با تأسف شما به جای اینکه از حق و حقیقت دفاع کرده آنچه حقیقت بود بیان میکردید، به پاسخ جنگهای این تفرقه انداز، مَهر سکوت بر لب زده به اصطلاح به دروغ و تهمت نامردانه او مَهر صحه گزاردید. استغفرالله من از شرّ همچو اشخاص بهتانگر و دروغگو به خداوند بزرگ پناه میبرم وای به حال مردم بیچاره ما که از همچو اشخاص پیروی کرده به سخنان شان گوش فرا بدهند (ناگفته نماند که اشعار بنده در سایت اینترنتی { افغانستان آزاد- آزاد افغانستان } هر روز نشر و در آرشیفها، بشمول آرشیف بنده، ذخیره میشود، البته در اشعار و طنزهایی که ریش، چین، ملا، طالب، چلی و غیره غیره یاد شده، منظور واضح و مفهوم است. اشخاصی که تعبیر سوء میکنند و به خود می چسپانند، با تأسف آنها از نعمت سواد و

منطق بی بهره هستند ، باید کمی به شعور آمده بدانند که درین زمینه تجارت و کاسبی کرده نمیتوانند و نه دکانداری و دلالی (حال با اجازه گله ای را که از شما دارم در قالب یک پارچه شعر خیلی کوتاه با تشکر و سپاس تقدیم میکنم امید طرف پسند قرار بگیرد.



ای که نرمک از منافق ها ، حمایت کرده ای
خیلی نامردانه سوی ما ، رمایت کرده ای
زان ملای لنگ ، تیری با کمانِ شیطننت
فیرِ راکت هاش را ، از شانه هایت کرده ای
گوئیا توصیه کردی ، شاعران را بر سکوت
هر جفنگی گفت ، مُفتش را وقایت کرده ای
با شرارت ، تهمتی بر شاعر و برنامه دار
مُهرِ خاموشی به تائیدش رضایت کرده ای
شایدت عادت نمودی بر سکوت از هر جفنگ
یا خدانا خواسته جرمی ، یا جنایت کرده ای
سینه ام صد پاره گشت و دیده ام ابرِ بهار
کشته ابلسیان را ، بس سقایت کرده ای
از خدا خواهم که زهر نیشِ هر یک مدعی
از کفرِ پای خودش، تا سر، سرایت کرده ای

روزِ دیگر "عبدالرحمانِ قیومی" روی خط
آمد و با نغزِ گفتارش و صایت کرده ای
اندکی از بچه بازی های فیلمِ مستند
عاملینش را نصیحت ، هم هدایت کرده ای
خیلی معقول و بجا صحبت نمود آن محترم
طبعِ ما جاری شدی، از بس عنایت کرده ای
گفت ! از اخیار و از ابرار و از اشرار هم
از خبّاثت های (گلبدین) حکایت کرده ای
راکتی ها را را همی کوبید با منطق چنان
چک چکی و کارتی ها را نفایت کرده ای
از سرِ لطف و کرم بر این حقیرِ بینوا
گفت ! مختارزاده ، اینها را یرایت کرده ای
میزند مردانه بر دندانشان با شعرِ تر
ریشِ شان را کنده ، ندافی به غایت کرده ای
بی ادب ها را ، به نظمی هم ادبکاری کند
فرقِ حلوا و نباتش را رعایت کرده ای
بهرِ تنویرِ عزیزانی که در تاریکِ جهل
خفته میباشند ، روشن ، بی نهایت کرده ای
کاسب و از تاجر و بقال و دکاندارِ دین
هم ز دلالتان بی وجدان شکایت کرده ای
تا بالاخر گفت بر من ، از کرم آن پیرِ دین
« نعمتا » ! شعرِ تو ایشانرا کفایت کرده ای
باتشکر از شما و ، از همه بینندگان
وقتِ خیلی پربهاتانرا ، نکایت کرده ای

معانی بعضی لغات :

رِمايَت - تیراندازی * وقایت - نگهداری * سیقایت - آبیاری * وَصایت - سفارش ، وصیت ، اندرز *
نُفایت - پست و زبون ، چیزیکه آنرا از چیز دیگر جدا کرده دور اندازند * یرایت - دانستن ، دریافتن ، آگاهی
دشتن * نکایت - گزند رساندن *